

کتابخانه
کتابخانه
کتابخانه

کاری از نشر نگاه معاصر

ادبیات: شاهنام و پیش

سخن‌های دانندگان

گفت‌وگو با شاهنامه‌شناسان

به‌کوشش حامد مهران

به خواستاری و اشراف
محمدجعفر یاحقی



سخن‌های دانندگان

کتابخانه
نشر نگاه معاصر

سرشناسه	: مهرداد، حامد، ۱۳۶۵ -
عنوان و نام پدیدآور	: سخن‌های داندگان: گفت‌وگو با شاهنامه‌شناسان / نویسنده و گردآوری حامد مهرداد و محمدجعفر یاحقی؛ گفت‌وگوهایی درباره فردوسی و ادب حماسی با عبدالغفور آرزو... [و دیگران].
مشخصات نشر	: تهران: نگاه معاصر، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	: ۴۵۲ ص.
شابک	: 978-622-290-032-8
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیبا.
یادداشت	: گفت‌وگوهایی درباره فردوسی و ادب حماسی با عبدالغفور آرزو، سجاد ایدنلو، حمیدرضا اردستانی رستمی، محمود امیدسالار... فردوسی، ابوالقاسم، ۳۲۹-۴۱۶ ق. شاهنامه - نقد و تفسیر. Ferdowsi, Abolqasem. Shahnameh - Criticism and interpretation : شعر فارسی - قرن ۴ ق. - تاریخ و نقد. Persian poetry - 10th century - History and criticism : یا حقی، محمدجعفر، ۱۳۲۶ - آرزو، عبدالغفور، ۱۹۶۱ م. Arezou, Abdul Ghafour : PIR ۴۴۹۵ : ۸ فا ۱/۲۱ : شماره کتاب‌شناسی ملی : ۸۴۰۳۹۶۷
موضوع	
موضوع	
موضوع	
موضوع	
شناسه افزوده	
شناسه افزوده	
شناسه افزوده	
رده‌بندی کنگره	
رده‌بندی دیویی	
شماره کتاب‌شناسی ملی	

سخن‌های دانندگان

گفت‌وگو با شاهنامه‌شناسان

نگین‌نامه
نشر نگاه معاصر

به کوشش حامد مهاد

به خواستاری و اشراف

محمد جعفر یا حقی

سخن‌های داندگان

گفت‌وگو با شاهنامه‌شناسان

به کوشش

حامد مهاد

با خواستاری و اشراف:

دکتر محمدجعفر یاحقی

گفت‌وگوهایی دربارهٔ فردوسی، شاهنامه و ادب حماسی با:

عبدالفور آرزو، سجاد ایدنلو، حمیدرضا اردستانی رستمی، محمود امیدسالار، بهری بهفر، محمد بهنام‌فر، محمود جمفری دهقی، جویا جهانبخش، محمود حسن‌آبادی، جلال خالقی مطلق، ابوالفضل خطیبی، حسن ذوالفقاری، محمدرضا راشد محصل، محمود رضایی دشت ارژنه، علی رواقی، وحید رویانی، زاگرس زند، حمید طبسی، فرزاد قائمی، ابوالقاسم قوام، علیرضا قیامتی، آنا کراسنولسکا، علی کرامتی مقدم، میرجلال‌الدین کزازی، هلن گیوناشویلی، اولریش مارزلف، جواد محقق نیشابوری، محمود مدبری، چنگیز مولایی، اکبر نحوی، محمدجعفر یاحقی، نعمت ییلدیریم.

نگاه‌ها

ناشر: نشر نگاه معاصر (وابسته به مؤسسه پژوهشی نگاه معاصر)

مدیر هنری: باسم الرسام

صفحه‌آرا: امید سیدکاظمی

لیتوگرافی: نوید

چاپ و صحافی: نادر

نوبت چاپ: یکم، ۱۴۰۰

شمارگان: ۱۱۰۰

قیمت: ۱۱۰۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۹۰-۰۳۲-۸

نشانی: تهران، مینی سیتی، شهرک محلاتی،

فاز ۲ مخابرات، بلوک ۳۸، واحد ۲ شرقی

تلفن: ۰۲۱)۲۲۴۴۸۴۱۹

negahe.moaser94@gmail.com

 nashr_negahemoaser

با همکاری



فهرست مطالب

- مقدمه دکتر محمدجعفر یاحقی ۹-۷
- مقدمه حامد مهاد ۱۴-۱۱
- پرسش‌ها ۱۹-۱۵

بخش نخست (۲۱)

- ۱. عبدالغفور آرزو ۳۲-۲۳
- ۲. سجاد ایدنلو ۴۱-۳۳
- ۳. حمیدرضا اردستانی رستمی ۸۱-۴۳
- ۴. محمود امیدسالار ۹۹-۸۳
- ۵. مهری بهفر ۱۰۴-۱۰۱
- ۶. محمد بهنام‌فر ۱۱۱-۱۰۵
- ۷. محمود جعفری دهقی ۱۲۳-۱۱۳
- ۸. جو یا جهانبخش ۱۵۵-۱۲۵
- ۹. محمود حسن آبادی ۱۷۲-۱۵۷
- ۱۰. ابوالفضل خطیبی ۱۷۹-۱۷۳
- ۱۱. حسن ذوالفقاری ۱۹۷-۱۸۱
- ۱۲. محمدرضا راشد محصل ۲۰۷-۱۹۹
- ۱۳. محمود رضایی دشت ارژنه ۲۲۳-۲۰۹

۱۴. علی رواقی..... ۲۳۱-۲۲۵
۱۵. وحید رویانی..... ۲۴۲-۲۳۳
۱۶. زاگرس زند..... ۲۶۲-۲۴۳
۱۷. حمید طبسی..... ۲۷۸-۲۶۳
۱۸. فرزاد قانمی..... ۲۹۵-۲۷۹
۱۹. ابوالقاسم قوام..... ۳۱۰-۲۹۷
۲۰. علیرضا قیامتی..... ۳۲۶-۳۱۱
۲۱. آنا کراسنولسکا..... ۳۴۱-۳۲۷
۲۲. علی کرامتی مقدم..... ۳۶۰-۳۴۳
۲۳. میرجلال‌الدین کزازی..... ۳۶۵-۳۶۱
۲۴. جواد محقق نیشابوری..... ۳۷۲-۳۶۷
۲۵. محمود مدبری..... ۳۸۵-۳۷۳
۲۶. چنگیز مولایی..... ۴۰۲-۳۸۷
۲۷. اکبر نحوی..... ۴۱۲-۴۰۳
۲۸. محمدجعفر یاحقی..... ۴۲۳-۴۱۳
۲۹. نعمت ییلدیریم (ترکیه)..... ۴۳۱-۴۲۵

بخش دوم (۴۳۳)

۳۰. جلال خالقی مطلق (آلمان)..... ۴۳۹-۴۳۵
۳۱. هلن گیوناشویلی (گرجستان)..... ۴۴۵-۴۴۱
۳۲. اولریش مارزلف (آلمان)..... ۴۵۲-۴۴۷

به نام خداوند خورشید و ماه

آموختن و دانستن

همایش‌ها برگزار می‌شود، سالن‌ها پر و خالی می‌شود، سخن‌ها رانده می‌شود، گوش‌دهندگان سخن‌ها را می‌شنوند و ای چه بسا که سری هم تکان بدهند، برای پرسش و پاسخ هم که همیشه وقتی باقی نمی‌ماند، گاهی مجموعه مقالات هم چاپ می‌شود و در قفسه کتابخانه جای می‌گیرد، هزینه‌ها کرده می‌شود، پیام‌ها و نطق‌های افتتاحی، با مورد و بی مورد از این یا آن مقام قرائت یا ایراد می‌شود و ده‌ها «می‌شود» و «می‌رود» دیگر. اما آنچه حاصل نمی‌شود نتیجه و برون داد است، پیشنهاد عملی و تغییر است، آموختن و دانستن است.

سال ۱۳۹۹ در روز گرامی داشت فردوسی (۲۵ اردیبهشت) به برکت کرونا(!)، نه همایشی بود و نه نشستی، نه سخنرانی‌ای و نه مستعی، سالی هم گرفته نشد، مراسمی هم نبود هزینه‌ای هم نشد. ده روز بعدش پنجم خردادماه با شرکت چند نفر از صاحب نظران مسقای برنامه را به عمل آوردیم. پنج شش نفری از سر خانه و زندگی خود طی یک برنامه معین در فضای مجازی در مورد فردوسی سخن گفتند که می‌توانست آبی باشد بر عطش فردوسی دوستی و تب و تاب فارسی‌گرایی و ایران‌پژوهی. فرصت را مغتنم دانستیم و گفتیم حالا که به روال همه ساله مجموعه مقالاتی نمی‌توانیم منتشر کنیم و به یادگار این روز در قفسه کتابخانه‌ها بگذاریم، به جبران پرسش‌هایی که سال‌های گذشته از سخنرانان نکرده‌ایم با طرح چند پرسش و

ارسال آن برای سخنرانان و شاهنامه‌شناسان از آنان بخواهیم بدان‌ها کتباً پاسخ دهند. اما این پرسش‌ها را چه کسی بایستی طرح می‌کرد؟ برای من چنین فرصتی و چنان حواس جمعی نبود. دوست عزیزم حامد مهراد دانشجوی کوشنده و جوینده دوره دکتری ادبیات حماسی را، که در پاسخ دادن به پرسش‌هایی که در خصوص شاهنامه از درون و بیرون کشور از من می‌شد یاری‌ام می‌کرد و ذهن و زبان او را نیک آزموده بودم، کارنده این کار یافتم و از او خواستم پرسش‌هایی با این قد و قواره و به این منظور طرح کند، که کرد و کار مرا آسان کرد. پس از آن که پرسش‌ها را با هم زیر و رو و از برخی جوانب و ارسی کردیم سیاهه‌ای از شاهنامه‌شناسان داخل و خارج کشور به‌دستش دادم با شماره و نحوه ارتباط با آنان به همراه یک درخواست به امضای خودم که در آن به اجمال منظور از این پرسش‌ها مطرح شده بود. سپاسگزارم که تقریباً همگی جز یکی دوتن که پیدایشان نکردیم، دیر یا زود، به این ندای شاهنامه‌ای پاسخ دادند و با ارسال پاسخنامه این مجموعه را نواختند و ما را سپاسدار خویش کردند. انتظار برای رسیدن برخی از پرسشنامه‌ها و بعد هم یک‌دست کردن مطالب و تهیه معرفی اجمالی کارهای شاهنامه‌دانان پس از چند بار تغییر شیوه درج پرسش‌ها، مدتی زمان برد، که شد حالا؛ قضایای چاپ و نشر را هم که می‌دانیم. نام مجموعه را با نگاه به این بیت شاهنامه برگزیدم که:

به آموختن چون فروتن شوی سخن‌های داندگان بشنوی

امیدواریم این مجموعه پرسش‌ها، که براساس تجربه دریافته‌بودیم پرسش بسیاری از شاهنامه‌دوستان و عموم علاقه‌مندان نیز هست، بتواند به گوشه‌ای از دغدغه‌هایی که در ذهن‌ها هست پاسخ بدهد و مهمتر از آن راه را برای پرسش‌های دیگر و دیگران نیز بگشاید. بس که نرسیده‌ایم پرسیدن را از یاد برده‌ایم و نمی‌دانیم که امروز پرسشگری برای جامعه ما از هر چیزی لازم‌تر است.

کار سامان‌دهی این مجموعه در مؤسسه فرهنگی هنری خردسرای فردوسی سامان یافته است. از همکارانم در هیأت مدیره خردسرا، که همگی از

شاهنامه‌شناسان و دلدادگان فردوسی و حماسه‌ملّی هستند، سپاسگزارم که هم انجام این اقدام را در زیرمجموعه کارهای خردسرا تأیید کردند و هم خود با دقّت و مراقبت لازم به موقع به پرسش‌ها پاسخ دادند و اینک این دفتر مزین به پاسخ‌های آنان نیز هست.

امیدوارم خردسرای فردوسی، که با همت و همیاری مردمان نیک‌اندیش و نیکوکار خراسان و ایران، اینک بیش از پانزده سال است که روی پای خود ایستاده و به جایی و نهادی رسمی و دولتی تکیه نکرده است همچنان سر پا بماند و با نشر کارهای بهتر و بنیادی‌تر گوشه‌ای از وظیفه خود را در مسیر پاسداری از زبان و فرهنگ ایران — که: بماناد تا جاودان نام او — به انجام برساند.

محمدجعفر یاحقی

به آموختن چون فروتن شوی
سخن‌های دانش‌دگان بشنوی

مجموعه پیش‌رو، شامل پرسش‌هایی مشترک از شاهنامه‌شناسان برجسته ایران و جهان است؛ در راستای طرحی که هم‌زمان با روز بزرگداشت فردوسی و پاسداشت زبان فارسی در خردسرای فردوسی زیر نظر استاد دکتر محمدجعفر یاحقی آغاز شد و هدف آن افزون بر بررسی دقیق‌تر و آسیب‌شناسی مسائل روز شاهنامه‌پژوهی و شناسایی مسیرهای ممکن این شاخه از فرهنگ، کنار هم نشانیدن آرای مختلف پژوهشگران در زمینه‌ای واحد و دست‌یافتن خانواده بزرگ ادب حماسی به نتایج حاصل از آن است. بر این باوریم که این مهم، جز از طریق گفت‌وگوی مستقیم و دریافت آرا و دیدگاه‌های دانشمندان و متخصصان محقق نخواهد شد. این مجموعه، گامی در این مسیر است و نتیجه آن پاسخ‌های گوناگون به پرسش‌های مشترک؛ تا برای علاقه‌مندان آموزنده و برای دانشجویان همچون کلاس درس و برای متخصصان گشاینده باب بحث و گفت‌وگو باشد. ناگفته پیداست که نتایج آماری حاصل از این گفت‌وگو نیز، برای ادب حماسی کارآمد و ضرور خواهد بود.

فهرست مصاحبه‌شوندگان خود گویای تنوع حوزه مطالعاتی استادان، از زبان و ادبیات تا تاریخ، مردم‌شناسی، شرق‌شناسی، فقه‌اللغه (واژه‌شناسی)، ادبیات عامیانه، ترجمه، سیاست و جامعه‌شناسی هست؛ با این حال نقطه مشترک همه آن‌ها شاهنامه است و این پشتوانه محکمی برای اعتبار و انسجام این مجموعه

خواهد بود. گرچه تمام پرسش‌ها پیش‌روی استادان بوده است، اما در انتخاب و پاسخ دادن به همه یا بخشی از آن اختیار داشته‌اند و اگر نکته‌سنبجان ایراد بگیرند که پرسش‌های دیگری هم در این بین می‌توانست باشد و نیست، امیدواریم پرسش‌پایانی که در آن استادان را دعوت به طرح پرسش کرده‌ایم، برای آنان راضی‌کننده باشد. بر این باوریم پرسشی که از سوی دانشمندان مطرح می‌گردد درست بر نشان می‌نشیند، اگر پاسخی درخور آن یافت شود.

گردآوری این مجموعه از اردیبهشت‌ماه ۹۸ آغاز شد. زمانی که هنوز ویروس تاج‌دار بر تخت ننشسته بود و نمی‌دانستیم کارها را اگر نه متوقف، ولی کند می‌کند. از همین‌روست که — برای نمونه — کتاب مستطاب آذربایجان و شاهنامه که در همین مجموعه نوید انتشارش داده شده است، زودتر از خود آن منتشر شد. به هر روی اتفاق نامنتظره‌ای افتاده بود و باید از چشم‌اندازی که به آن دل بسته بودیم دست می‌شستیم. اما بذر بعضی وقایع گویا فقط در زمین صبر ریشه می‌کند و جان می‌گیرد. آنچه این مجموعه را از سایر گفت‌وگوهای مشابه متمایز می‌کند، پرسش‌های مشترک از متخصصان یک حوزه، در یک برهه زمانی مشترک و کنار هم نشان دادن آن‌هاست. گوناگونی و گستردگی پاسخ‌ها حاکی از این است که هنوز و همچنان راهی دراز پیش‌روی پژوهش‌های شاهنامه‌ای و ادب حماسی قرار دارد. این مجموعه در ضرورت شستن چشم‌ها و جور دیگر دیدن است. افزون بر پرسش‌های یکسانی که در بخش نخست آمده‌اند، بخش دوم شامل پرسش‌هایی متفاوت است و پاسخ‌های سه تن از استادان به آن‌ها. در طرح پرسش‌ها دست‌کم دو هدف و چشم‌انداز وجود دارد. نخست اینکه پاسخ آن‌ها گرهی از کار ادب حماسی بگشاید و دوم اینکه از کنار هم قرار گرفتن پاسخ‌های یک پرسش مشترک، برای خواننده نتیجه آماری به‌دست آید و بشود درباره آن به تأمل نشست.

نمونه را، پرسش ۳ و پاسخ‌های تأمل‌برانگیز به آن نشان می‌دهد که باید در

اندیشه تعریفی تازه و دقیق و به‌روز از حماسه بود. زمان آن رسیده است که مرزهای سروده حماسی و منظومه پهلوانی را پررنگ‌تر بکشیم و اگر نمی‌خواهیم (چنانکه پاسخ‌های پرسش ۱۶ نشان می‌دهد) پیرو منابع و تعریف‌ها و مراجع غربی باشیم، باید در تدبیر و تدارک دسته‌بندی تازه‌ای از حماسه‌ها بکوشیم. پرسش ۴ می‌تواند در حکم فهرستی از موضوع رساله و پایان‌نامه در حوزه ادب حماسی باشد. موضوعات بکر و البته لازم پژوهشی که مطالعات حماسی برای کامل شدن به آنها نیاز دارند. از جمله: پژوهش‌های لغوی و بحث درباره واژگان شاهنامه، تصحیح علمی و دقیق منظومه‌های پس از شاهنامه و تحلیل ارتباط بین محتوای شاهنامه با منظومه‌های پیرو، شاهنامه و هنر، شاهنامه و کودک و نوجوان، شاهنامه و تاریخ و باستان‌شناسی، ظرفیت‌های اقتباس فیلم و سریال از شاهنامه، تشریح وضع اجتماعی و سیاسی و فرهنگی خراسان در قرن‌های چهارم و پنجم در همه وجوه آن به‌منظور ترسیم دقیق فضایی که فردوسی شاهنامه را به نظم کشیده است، تطبیق روشمند قسمت اساطیری شاهنامه با حماسه‌های هندی، توجه به بخش ساسانیان در شاهنامه و برابر کردن آن با منابع تاریخی، پیوند شاهنامه و تاریخ ایران، تحلیل جهان‌بینی فردوسی و اندیشه‌های سیاسی و فلسفی او، ارزش‌های هنری شاهنامه و داستان‌پردازی در آن، تنها بخشی از پیشنهادهای استادان این حوزه است.

تبادل نظر درباره نقاط ضعف و قوت همیشه هست، اما گاهی آنقدر این نقطه‌ها ناپیداست که نمی‌شود نشان داد و گاهی چنان روشن و هویدا که نیازی به گفت‌وگو درباره آن احساس نمی‌شود. پرسش ۸، پاسخ‌هایی قابل توجه و پیشنهادهایی کاربردی در برابر ناکارآمدی همایش‌ها پیش روی برگزارکنندگان و شرکت‌کنندگان همایش‌ها می‌گذارد. ذات برهنة پرسش و ماهیت پرسیدن بر اساس درک و دریافت متقابل بنا شده است؛ مجموعه پاسخ‌ها به پرسش ۱۰، واکنشی روشن به اوضاع اجتماعی کنونی است. بیداد و دادخواهی و دادورزی، تعامل و

مدارا و یک‌پارچگی، تنها واژگانی پرتکرار در این پاسخ نیستند؛ واژه‌ها جوهرند. جوهری که حقیقت را رندانه ظاهر می‌کند.

دیدگاهی بلند و نگاهی آینده‌نگر لازم است که وقتی همه درگیر شناخت و تجربه پدیده‌ای تازه‌اند، کسی در اندیشه گسترش افق‌های آن باشد. پرسش ۱۱، تصویری از آینده را در برابر ما می‌نشانند و انعکاسی از یک انتخاب را نشان می‌دهد؛ انتخابی که شاید به‌زودی ناگزیر و ناگزیر شود. گرشاسپ‌نامه در پاسخ پرسش ۱۳ چندان تکرار می‌شود که ما را به بازخوانی آن فرا می‌خواند و البته اشاره‌ایست به سنگینی سایه شاهنامه سترگ فردوسی بر سر منظومه‌های پس از آن.

هگل زمانی نوشته بود: طبیعت بشر، آدم‌ها را به توافق با یکدیگر سوق می‌دهد و وجود بشر تنها در گرو آگاهی مشترکی است که از پی آن می‌آید. پرسش ۲۰ محل برخورد اندیشه‌هاست. جایی که برخی قاطعانه می‌گویند بله و بعضی با قاطعیت پاسخ منفی می‌دهند. پیداست که جای پژوهش و واکاوی در این زمینه باز است؛ خیلی باز.

فراهم آمدن این مجموعه حاصل نیک‌اندیشی همه استادانی است که در این گفت‌وگو شرکت کردند؛ از همه ایشان سپاسگزارم. همچنین این پیشگفتار بی‌تردید چیزی کم می‌داشت اگر قدردانی‌ام را از کسانی که در طرح پرسش‌ها و تدوین پاسخ‌ها به من یاری رساندند ابراز نمی‌کردم. اما پیش و بیش از همه از استاد دکتر محمدجعفر یاحقی سپاسگزارم که برای گردآوری این مجموعه به من اعتماد کرد، صبوری به خرج داد، «نمی‌دانم» را به من آموخت و بذر پرسشگری را در ضمیر و زمینم کاشت.

پرسش‌ها:

۱- اگر فردوسی را تنها، منظوم‌کننده شاهنامه ابومنصوری بدانیم، و بر امانت‌داری کامل او در پیروی از منابعش صحّه بگذاریم، بنابراین کار بزرگ فردوسی چیست؟ چرا فردوسی را «حکیم» می‌نامیم؟ حکمت فردوسی در چیست؟ در واقع فردوسی چه کاری جز منظوم کردن شاهنامه ابومنصوری انجام داده است که لقب «حکیم» پیش از نام او می‌نشیند؟ افزون بر این، با توجه به اینکه از زندگی فردوسی اطلاعات چندانی در دست نیست و بخشی هم از آن چه موجود است در صحت آن تردید وجود دارد، معیارهای «حکیم» بودن فردوسی از نگاه شما کدام‌اند؟

۲- با وجود این که سرایش شاهنامه از زمان سامانیان آغاز شده، چرا فردوسی از شهریاران این خاندان سخنی به میان نیاورده است؟

۳- منظومه‌های پس از شاهنامه را که به پیروی از آن سروده شده‌اند، منظومه «پهلوانی» می‌نامید یا منظومه «حماسی»؟ با توجه به آن تعریف و کارکردی که از حماسه نزد شماست، دیدگاهتان درباره نامیدن حماسه‌های دینی / مذهبی چیست؟

۴- در میان پژوهش‌های حماسی، به‌طور کلی، و شاهنامه‌پژوهی، به‌طور خاص، جای چه پژوهش‌هایی را خالی می‌بینید؟ و حرکت پژوهش‌ها به چه سمت و سویی ضروری‌تر است؟

۵- با نگاهی گذرا به عنوان و موضوع بسیاری از مقاله‌هایی که سال‌های اخیر در مجلات علمی-پژوهشی منتشر شده‌اند، با رویدادی مواجه هستیم که اگر آن را مقاله‌سازی بنامیم، دست‌کم بر ناکارآمدی و ناسودمندی‌شان هم‌داستانیم و اصرار بر انتشار چنین مقالات، حاصلی جز آشکار ساختن پایه و مایه نویسندگان‌شان نخواهد داشت؛ اما این وضعیت دو پیامد کلی به همراه داشته است. نخست این‌که برخی از دانشمندان این حوزه و متخصصان این عرصه، مقاله‌نویسی در قالب علمی-پژوهشی را کنار گذاشته و به سیاق سابق، به «یادداشت‌نویسی» روی آورده‌اند. دیگر این‌که مقالاتی بی‌شمار تحت عنوان میان‌رشته‌ای/ بینارشته‌ای از میان پژوهش‌های ادبی سربرآورده‌اند که معمولاً نسبتی با عنوانشان ندارند. در این میان، برخی معتقدند اساس پژوهش‌های شاهنامه‌شناسی بر مطالعات بینارشته‌ای استوار است (زیرا انتظار می‌رود پژوهش‌گر این حوزه به‌جز دانش ادبی، از دانش تاریخ و اسطوره‌شناسی و مردم‌شناسی و زبان باستانی و جغرافیای تاریخی و ... هم آگاهی داشته باشد)، و از طرفی نیز مخالفان مطالعات میان‌رشته‌ای برآنند که پژوهشی که مبتنی بر تسلط پژوهش‌گر بر هر دو (یا چند) رشته نباشد از اساس باطل است. با این مقدمه و با چنین تصویری از وضعیت، وضع موجود را حاصل کم‌دانی و کم‌خوانی و کوتاهی نسل جدید دانشجویان و فارغ‌التحصیلان ادبیات می‌دانید یا به پدیده اشباع شاهنامه‌پژوهی قائل هستید؟ چقدر به پژوهش‌های میان‌رشته‌ای در این حوزه خوش‌بینید؟

۶- طبق روایت شاهنامه، ایرانیان پس از سقوط جمشید، به جست‌وجوی پادشاهی مقتدر برای خود برآمدند و چون ضحاک تازی را یافتند، «سواران ایران همه شاه‌جوی، نهادند یکسر به ضحاک روی»، در زمان کوتاهی مقدمات آمدن ضحاک به ایران را فراهم کردند و «به شاهی بر او آفرین خواندند، ورا شاه ایران‌زمین خواندند». اما این در حالیهست که: ۱. ایرانیان می‌دانند ضحاک «پر از هول» و

«اژدهاپیکر» است، و از آن مهم‌تر، ۲. این ماجرا پس از زمانیست که عارضه‌ماردوشی بر ضحاک دست داده و باز ایرانیان می‌دانند که «دو مار سیاه از دو کتفش برست» و بنابراین، ۳. همگان آگاهی دارند که «به‌جز مغز مردم‌شان خورش» مارهای ضحاک نیست. یعنی این شرط را پذیرفته‌اند. با وجود این آگاهی‌ها (که قاعده «شاه بیدادگر، به از مُلک بی‌پادشه» را هم از موضوعیت خارج خواهد کرد)، این حرکت ایرانیان را چطور تحلیل می‌کنید؟

۷- اگر فردوسی را بزرگ‌ترین پرچم‌دار شاخه‌ی شعوبیه بدانیم به خطا رفته‌ایم؟ چه نسبتی میان فردوسی و شعوبیه قائلید؟

۸- کیفیت همایش‌ها و مقالات همایشی را چطور ارزیابی می‌کنید؟ موافق برگزاری همایش‌ها هستید یا مخالف؟ چه راهکاری برای بهبود کیفیت همایش‌ها پیشنهاد می‌کنید؟

۹- در میان شاهکارهای ادب فارسی، شاهنامه همواره بیشترین برخورد و نگاه سیاسی را به خود دیده است. از اصرار به آن در حکومت‌های مبتنی بر ملی‌گرایی گرفته تا انکار آن از سوی برخی گروه‌ها که تلاششان بر حذف هر پیشینه‌ای از ایران پیش از اسلام استوار بوده است. «خوانش سیاسی» شما از شاهنامه چگونه است و برداشت شما از «سیاست در شاهنامه» چیست؟

۱۰- آموزه شاهنامه برای جامعه امروز ایران چیست؟

۱۱- حلقه‌ها و محافل شاهنامه‌خوانی دیروز، به کانال‌ها و گروه‌های فضای مجازی امروز تبدیل شده‌اند. ارزیابی شما در این باره چیست؟ اگر عضو چنین کانال‌هایی هستید چه قدر برایتان جدی هستند و اگر گرداننده آن‌ها هستید چه هدفی را در پیش گرفته‌اید؟

۱۲- برخی برای بیان رابطه تاریخ اسطوره‌ای و سرگذشت ایران، در شاهنامه، از عنوان اُسطارینخی استفاده می‌کنند؛ گروهی نیز بخش تاریخی شاهنامه را نزدیک به

واقعیت یافته و آن را با اسناد و منابع تاریخی منطبق می‌دانند. نظر شما به کدام دسته نزدیک‌تر است؟

۱۳- از میان منظومه‌های حماسی پس از شاهنامه کدام یک را مهم‌تر و ارزشمندتر می‌دانید؟ دلیل انتخابتان چیست؟

۱۴- نظراتان درباره ادبیات عامیانه حماسی و به‌طور خاص طومارهای نقالی، و نقش و ارزش آن‌ها در تصحیح شاهنامه، به‌ویژه در تشخیص داستان‌های افزوده/کاسته چیست؟

۱۵- نظر شما درباره موج پرورش نقال‌های کودک و نوجوان - که اخیراً شدت گرفته - چیست؟ تربیت اصولی و صحیح نسل جوان را زیر سایه مفاهیم شاهنامه با کدام هدف و با چه راهبردی پیشنهاد می‌کنید؟

۱۶- برخی پژوهش‌گران غربی از جمله الگا دیویدسن و دیک دیویس، نظریه منبع شفاهی شاهنامه را بر پایه مرجعیت آثار غربی مطرح کرده‌اند. پاسخ شما به این دیدگاه چیست؟ (برای اینکه پژوهش‌های ایرانی به سمتی برود که به جای اینکه ادامه پژوهش‌های مستشرقین باشد و بر پایه آن پژوهش‌ها بنا شود، داده‌های ادبی را از نو بکاوند و بدون در نظر گرفتن گفته‌ها و باورهای غریبان که بر اساس ادبیات مغرب‌زمین طرح شده‌اند به نظریه‌پردازی بپردازند، چه باید کرد؟) به بیان دیگر: چنان‌که امیدسالار (در کتاب بوطیقا و سیاست) اعتقاد دارد، بر این باورید که ما نباید یافته‌های غربی‌ها بر اساس ادبیات غرب را به ادبیات فارسی تعمیم دهیم؟ یا خیر، همان روش را پیگیری می‌کنید و مرزی برای آن قائل نیستید؟

۱۷- نسبت شاهنامه و ملی‌گرایی چیست؟ آیا فردوسی را یک ناسیونالیست (به معنای قرن نوزدهمی آن) می‌دانید؟ ایران شاهنامه کجاست و هویت ملی مندرج در شاهنامه تا چه‌قدر به مفهوم امروزی آن نزدیک است؟

۱۸- چرا فارسی‌زبانان دیگر، کم‌تر از ایرانیان وارد حوزه تصحیح و شرح

شاهنامه شده‌اند (یا اصلاً نشده‌اند)؟ و این درحالی‌ست که در حوزه‌های دیگر مرتبط با شاهنامه از جمله هنرهای نمایشی و فیلم‌سازی، رمان و داستان اقتباسی، کم‌کار نبوده‌اند. تحلیل شما از این اتفاق چیست؟

۱۹- از نظر شما موضوع شاهنامه چیست؟ (تاریخ؟ اسطوره؟ اخلاق؟ ایران؟ ...؟) لطفاً فقط یک موضوع را به عنوان موضوع «اصلی» شاهنامه بیان کنید)

۲۰- دیدگاه «شما» در باره پهلوی دانی فردوسی چیست؟ فردوسی زبان پهلوی می‌دانست؟

۲۱- دیدگاه «شما» در باره مذهب فردوسی چیست؟

۲۲- تعریف «شما» از حماسه و اسطوره چیست و نقطه تلاقی این دو در شاهنامه فردوسی کجاست؟

۲۳- از نگاه شما دلپذیرترین داستان و شخصیت شاهنامه کدام‌اند؟

۲۴- بهترین اثر پژوهشی و بهترین پژوهش‌گر/ پژوهش‌گران حال حاضر در حوزه شاهنامه و ادب حماسی از نظر شما کدام‌اند؟

۲۵- بهترین اثر شما (مقاله/ کتاب/ تألیف/ ترجمه) درباره شاهنامه و فردوسی از نظر خودتان کدام است؟ (لطفاً این پرسش را از سر فروتنی - که بی‌گمان از ویژگی‌های شماست - بی‌پاسخ نگذارید)

۲۶- کدام استادان و چه کتاب‌هایی به فکر شما جهت و افق داده‌اند؟ شخصیت (علمی) که اکنون دارید از کجا و چگونه شکل گرفته است؟

۲۷- برنامه شما برای آینده در حوزه شاهنامه و حماسه چیست؟ پژوهش/ تألیف در راه انتشار دارید؟

۲۸- اگر قرار باشد شما پرسشی را به این پرسش‌نامه اضافه کنید، آن پرسش کدام است؟

بخش نخست

عبدالغفور آرزو



در ۲۸ بهمن ۱۳۴۰ خورشیدی در شهر باستانی هرات زاده شد و دانش‌آموزی را از مسجد آغاز کرد و دبستان سیف ابن یعقوب هروی نخستین کانون دانش‌آموختگی اوست. سرانجام با عبور از کارشناسی و کارشناسی ارشد در حوزه ادبیات فارسی در سال ۱۳۸۶ خورشیدی - در هنگامی که رایزن سیاسی و کاردار سفارت جمهوری افغانستان در ایران است - موفق به گرفتن دکترای تخصصی زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تربیت مدرس (تهران) شد؛ و در سال ۲۰۱۵م، در هنگامی که سفیر کبیر جمهوری اسلامی افغانستان در جمهوری تاجیکستان است، در مقطع کارشناسی ارشد در رشته سیاست‌شناسی در دانشگاه صدرالدین عینی به نام آموزگاری تحصیل کرد. عبدالغفور آرزو تا کنون ۶۲ کتاب در حوزه ادبیات و نقد ادبی، قرآن‌پژوهی، بیدل‌شناسی، شاهنامه‌پژوهی، سیاست‌شناسی و روابط بین‌الملل، تاریخ و شعر نوشته است. از این مجموعه تا کنون ۴۱ کتابش منتشر و ده‌ها مقاله در مجلات علمی-پژوهشی افغانستان، ایران و تاجیکستان چاپ شده است. از جمله، منظومه حماسه سانی‌برزن و کتاب «چگونگی حماسه‌سرایی در ادبیات افغانستان» از اوست.

۱- اگر فردوسی را تنها، منظوم‌کننده شاهنامه ابو منصورى بدانيم ...

نخست اینکه. دوره‌ی پیشاتاریخی و تاریخ باستانی ایران تاریخی (آریانا) را آینه‌ساختن. در این آینه هویت چهارده کشوری را می‌توان دید که هویت اساطیری، فرهنگی و تمدنی مشترک دارند. اگر هویت ملی را بتوان با هویت فرهنگی و تمدنی میزان کرد، به راحتی می‌توان راه حل مناسب و متعادل برای چالش‌های مزمن تاریخی (مرزها و آب‌ها و ...) در منطقه یافت. این «تز» من است. فردوسی بزرگ با اثر وزینش زمینه‌ی چنین گفتمانی را فراهم کرده است.

دوم اینکه. تأکید بر خرد و خردورزی و ایمان مبتنی بر خرد، تبیین جهان هستی، ترویج عدالت و نفی ظلم دلالت بر حکمت ژرف می‌کند. باید به فردوسی گفت «نیست پیغمبر ولی دارد کتاب». این فهم و استنباط برآیند متنی است که با عرق‌ریزی روح محققان منقح شده است.

۳- منظومه‌های پس از شاهنامه را که به پیروی از آن سروده شده‌اند ...

شاهنامه اثر ایدئولوژیک نیست. معرفت قناصدار حاکم بر منظومه‌های دینی / مذهبی سبب می‌گردد تا این منظومه‌ها را هرچیز بنامیم الا حماسه. فراموش نباید کرد که معرفت دینی ساری و جاری در رگ‌های شاهنامه جزم‌گرایانه نیست. رابطه‌ی انسان با انسان و انسان با خدا در شاهنامه به گونه‌ای تصویر شده که حق‌طلبی

مطلق و کاذب را به عنوان وجه غالب نمی‌توان یافت. شاید این دریافت را با این بیت مولانا بتوان برجسته کرد:

آن‌که گوید جمله حقست احمقست / و آن‌که گوید جمله باطل او شقی سست
به باور حکیم ابوالقاسم فردوسی، در معرفت بشری حق مطلق و باطل مطلق وجود ندارد. در حالی که منظومه‌های دینی / مذهبی در پی حق بودن یک نحله است. از همین چشم‌انداز است که کوشش برای صدور شناسنامه‌ی کلامی و مذهبی برای فردوسی پُریه‌وده بوده است. اهل تسنن همان‌قدر خود را در این شاهنامه می‌بینند که اهل تشیع. همان‌قدر دلیل برای اشعری بودن فردوسی می‌توان اقامه کرد که می‌توان اندیشه‌های اعتزالی را برجسته ساخت. شاهنامه اقیانوس است و فراتر از نهرهای کلامی و مذهبی است. به همین دلیل منظومه‌های دینی / مذهبی حماسه نیست.

۴- در میان پژوهش‌های حماسی، به‌طور کلی، و شاهنامه‌پژوهی، به‌طور خاص، جای چه پژوهش‌هایی ...

شاهنامه متعلق به یک دوره‌ی تاریخی است که مرزهای سیاسی متصلب نشده، قدرت‌های پراکنده در یک پهنه‌ی فرهنگی و تمدنی گسترده حکم می‌رانند. پرداختن به شاهنامه دید فراملی می‌طلبد که متأسفانه چنین نیست. باید پذیرفت که ایران تاریخی همین ایران سیاسی نیست. مصادره کردن شاهنامه به نفع جغرافیای سیاسی مغایر با خواست حکیم فردوسی و فلسفه‌ی وجودی شاهنامه است. نقی برتری‌جویی فرهنگی و سیاسی (شوونیسم) و عبور از تقسیم مفاخر، گام نخستین است. باید شاهنامه‌پژوهی در این سمت و سو چرخش کند. باید شاهنامه‌پژوهی را از چکاچاک گرایش‌های مذهبی و کلامی نجات داد.

۵- با نگاهی گذرا به عنوان و موضوع بسیار مقاله‌هایی که سال‌های اخیر در مجلات علمی ...

چون شاهنامه با عبور از پهنه‌ی اساطیر به گذرگاه رویدادهای تاریخی می‌رسد و دوره‌ی تکوین اجتماعات فراقومی است، باید نگاه به شاهنامه پیوندی ژرف با نگرش میان‌رشته‌ای/ بینارشته‌ای داشته باشد. بر مبنای نقد و تصحیح متون، شاهنامه تقریباً منقح شده است. پژوهش‌های ادبی، بررسی اندیشه و صورخیال، مبانی حکمی شاهنامه و غیره به وفور واکاوی شده است؛

هرچند می‌توان سخن از زلف یار گفت

در قید آن مباحث که مضمون نمانده است

اما در بسا عرصه‌ها «حد همان است سخندانی و زیبایی را». پای در جای پای پیش‌کسوتان گذاشتن، سرنوشت شاهنامه‌پژوهی شده، باید چون فرخی فریاد زد: سخن نو آر که نو را حلاوتی دگر است.

البته بسا از سخنان نو ذوق را اندکی می‌جنبد اما ذائقه‌ی ادبی ایجاد نمی‌کند. در همایش «شاهنامه در گذرگاه جاده‌ی ابریشم»، شاهنامه‌پژوهی جان‌کنده بود تا اثبات کند رخس چه‌گونه اسپی بوده است. تو خود حدیث مفصل بخوان ازین مجمل.

به هر روی، نگاه جامعه‌شناختی به شاهنامه با گرایش بینارشته‌ای می‌تواند به شاهنامه‌پژوهی جان تازه بخشد. البته هرگونه ملمع‌کاری مغایر با هدف اصلی است. هرگونه نگاه سیاسی از منظر جغرافیا به شاهنامه خطاست. شمشیرهای مورخان در نیام باد تا البرز، البرز بماند. نگارنده با چنین فهمی نگاه جامعه‌شناختی به شاهنامه دارد. چنین مقاله‌ای در «مجموعه مقالات همایش شاهنامه در گذرگاه جاده‌ی ابریشم/ ۲۲ تا ۲۵ اردیبهشت ۱۳۹۸» از من چاپ شده است. البته کتابی نیز با همین نگاه و نگرش نوشته‌ام که در کابل اقبال چاپ یافته است.

۶- طبق روایت شاهنامه، ایرانیان پس از سقوط جمشید، به جست‌وجوی پادشاهی مقتدر ...

نخست این که شناسنامه‌ی تازی دادن به ضحاک یا اژی دهاک اشتباه است. اژی دهاک از سلسله‌ی اسپه است چون گشتاسپ، جاماسپ، لهراسپ و غیره. نگاه نژادی و نژادگرایانه را باید از حوزه‌ی شاهنامه‌پژوهی تبعید کرد وگرنه باید از سیندخت، رودابه، رستم، ... چشم پوشید، چون در خون این بلندقامتان شاهنامه ژن و خون ضحاک جاری است. نگاه نژادی در برهه‌ای از تاریخ فاشیم را زایید. آیا برای تاریخ بشر کفایت نمی‌کند؟ دو دیگر، چنین نگاهی با فرهنگ و تمدن باستانی و باورهای دینی امروزی‌مان اصلاً سازگار نیست.

فراموش نباید کرد تفسیر عینی از نمادهای شاهنامه خطاست؛ بل باید برتافت که برون‌شد ضحاک از دامان سلسله‌ی با شکوه اسپه بیانگر دوره‌ی انحطاط است. فردوسی بزرگ خواسته است این برهه‌ی دردناک تاریخی را به تصویر کشد. مفهوم انحطاط را باید از زاویه‌ی جامعه‌شناختی و روان‌شناختی واکاوی و تبیین کرد تا نگرش ژرف فردوسی را دریافت؛ دریافت که ناخودآگاه در هنگام تولید فکر چه رستاخیزی را به پا می‌کند.

در فرهنگ عمومی این ضرب‌المثل سخت مشهور است: «در بیابان کفش کهنه نعمت است.» فاجعه آن‌قدر مصیبت‌بار بوده که ایرانیان مستأصل به بحران خونین رضایت داده‌اند تا استبداد بی‌مهار، اراده‌ی جان به لب‌رسیدگان را تبدیل به پتک سازد. چه دردناک است که کاوه‌ی بی‌پتک مغزش را به حراج گذارد! فردوسی این مفهوم دردآجین را تبدیل به تصویر کرده است.

۷- اگر فردوسی را بزرگ‌ترین پرچم‌دار شاخه‌ی شعوبیه بدانیم ...

به باور من بلی. فردوسی انسان اندیشه‌ورز است و متأثر از ساختار جامعه و بافتار فهم‌های متعارف روزگار. از آن جایی که فلسفه‌ی وجودی حماسه عصیان است، حماسه‌سرا ناخواسته فریاد می‌زند «من عصیان می‌کنم، پس هستم.» این فلسفه در شاهنامه ریزش کرده است. به همین دلیل باید اندیشه‌ی مستتر در شاهنامه را فراتر از قالب‌های فکری دانست.

۸- کیفیت همایش‌ها و مقالات همایشی ...

شاهنامه را باید از مسائل سیاسی روزمرگی نجات داد. دو دیگر، معیارهای گزینش مقاله‌ها را باید تغییر داد. همایش برگزار شود اما با راهبرد و راهکارهای نو.

۹- در میان شاهکارهای ادب فارسی، شاهنامه همواره بیشترین برخورد و نگاه سیاسی را به خود دیده است ...

به این پرسش پاسخ داده‌ام. مرور بفرمایید!

۱۰- آموزه شاهنامه برای جامعه امروز ایران ...

ایران سیاسی یا ایران تاریخی؟ اگر منظور ایران سیاسی است دانشوران ایرانی باید پاسخ دهند. اگر چشم‌انداز ایران تاریخی است پاسخ من این است: در دنیای جهانی‌شده (دهکده‌ی جهانی) باید شعور و شعار ما تعامل فرهنگی و تمدنی با سایر فرهنگ‌ها و تمدن‌ها باشد. باید این آموزه‌ی شاهنامه را برجسته ساخت. مقدمه‌ی این آموزه پذیرش «متعادل ساختن منافع ملی با منافع تمدنی است و هویت ملی با هویت تمدنی». اگر حوزه‌ی تمدنی ما فربه نشود در هر جدال و تعامل بازنده‌ای بیش نخواهیم بود.

۱۱- حلقه‌ها و محافل شاهنامه‌خوانی دیروز، به کانال‌ها و گروه‌های فضای مجازی امروز تبدیل شده‌اند ...

نه عضو و نه گرداننده چنین کانال‌هایی هستم. به باور من حضور و وجود چنین کانال‌هایی غیرطبیعی نیست. در دنیایی که دانش انفورماتیک حرف اول را می‌زند و دنیای نرم‌افزاری سخت‌افزار را به حاشیه کشانده است، نباید نسبت به وجود و حضور کانال‌ها و گروه‌های فضای مجازی دلهره داشت. انگیزه‌ها زودگذرند و «نحن ابناء الدلیل نمیل حیث یمیل». این سخن پورسیناست.

۱۲- برخی برای بیان رابطه تاریخ اسطوره‌ای و سرگذشت ایران، در شاهنامه ... با هیچ کدام. گرایش اول متذوقانه است مگر این‌که نقش هرمنوتیک در تبیین اساطیر معیاری باشد ورنه «جابه‌جا لفظ ماند و معنا رفت».

دو دیگر، تا زمانی که برنتابیم که شاهنامه ممثل جغرافیای سیاسی نیست بل آینه‌دار فرهنگ و تمدنی بزرگی است که اینک به چندین کشور مستقل منقسم شده‌اند. پرداختن به اسناد و منابع تاریخی شاهنامه و تطبیق آن با جغرافیای سیاسی، شاهنامه‌پژوهی را به پرتگاه اسف‌بار می‌کشاند. «چشم‌ها را باید شست/ جور دیگر باید دید.»

۱۳- از میان منظومه‌های حماسی پس از شاهنامه ...

گرشاسپ‌نامه؛ به دلیل تداوم شاهنامه و بافتار زبانی آن.

۱۴- نظرتان درباره ادبیات عامیانه حماسی و به‌طور خاص طومارهای نقالی

...

از آن جایی که نقالی هنوز جنگ‌محور است، بر نمی‌تابم. باید بر اساس اصل استخراج و تصفیه‌ی منابع فرهنگی نقالی را متحول ساخت. باید به جای جنگ‌محوری، خردگرایی و دگرپذیری را در این گونه تزریق کرد. ادبیات عامیانه‌ی حماسی باید از جغرافیای بزرگ تمدنی جمع‌آوری و سپس پالوده شود. این که پس از این همه شاهنامه‌پژوهی ادبیات عامیانه حماسی می‌تواند در تصحیح شاهنامه موثر باشد، تردید دارم.

۱۵- نظر شما درباره موج پرورش نقال‌های کودک و نوجوان ...

انگیزه اقتصادی دارد و گاه سیاسی. ابزارسازی از عواطف و زنده نگه‌داشتن روحیه سلحشوری جان‌مایه این موج است که با داده‌ها و خواسته‌های دلیلی همگرا نیست. باید خردورزی و دگرپذیری را به کودکان آموخت:

تریت چیست؟ خاک زر کردن! قطره‌ی آب را گهر کردن

به جای سلحشوری، جامعه‌ی امروزی نیاز به خرد نقاد و ایمان مبتنی بر خرد

دارد:

یک حرف صوفیانه بگویم اجازت است ای نور دیده صلح به از جنگ و داوری

۱۶- برخی پژوهش‌گران غربی از جمله دیک دیویس و الگادیویدسن ...

دهکده‌ی جهانی مرزبندی آهنین نظریه‌پرداز شرقی و غربی را برنمی‌تابد. همان‌گونه که در گذشته کارهای نیکلسون، رنه ولک، انه ماری شمیل، ویلیام چتیک، هانری ماسه، ژاک دریدا و غیره در مشرق‌زمین جریان‌ساز بوده، حالا صد برابر این جریان شتاب گرفته است. باید جریان تولید فکر در مشرق موج شود در غیر آن هر پیشنهادی بیش از توهم چیزی نیست.

۱۷- نسبت شاهنامه و ملی‌گرایی ...

شاهنامه و ملی‌گرایی؟ طنزی است شگفت. مصادره‌کردن شاهنامه به نفع جغرافیای خاص، سخت با جغرافیای تاریخی شاهنامه در تقابل قرار دارد. اگر هر یک از چهارده کشور مستقل حوزه‌ی تمدنی، شاهنامه را ابزار ناسیونالیسم بسازند، در گام نخست منطقه به سمت جنگ و تقابل کشیده می‌شود. جنگ سرد تقسیم مفاخر را همه‌ی محققان به یاد دارند و هنوز مصیبت آن بر دوش دانش‌پژوهان سنگینی می‌کند، چگونه چنین پرسشی را می‌توان طرح کرد؟ خاستگاه شاهنامه‌های منشور و منظوم بلخ است. شاهنامه چهار راوی دارد که از چهار مرکز خراسان بزرگ نمایندگی می‌کنند. به هر روی، ایران شاهنامه به وسعت چندین کشور مستقل گسترده است. شاهنامه هویت ملی به معنای قرن نوزدهمی ندارد. هر که چنین بپندارد، روح فردوسی را دچار عذاب کرده است.

۱۸- چرا فارسی‌زبانان دیگر کشورها، کم‌تر از ایرانیان وارد حوزه‌ی تصحیح و

شرح شاهنامه ...

یکی از دلایل، شوونیسم است و جدال منافع قدرت‌های منطقه و فرامنطقه. هنگامی «غارت معنویات» مرحوم عباس اقبال آشتیانی را می‌خوانم، ...، بگذار این سخن در پرده بماند.

۱۹- از نظر شما موضوع شاهنامه چیست ...

این حصر چندان با سپهر وسیع شاهنامه سازگار نیست. برای این که عریضه خالی نماند، گزینش من اخلاق است.

۲۰- دیدگاه «شما» در باره پهلوی دانی فردوسی ...

در این زمینه صاحب نظر نمی باشم.

۲۱- دیدگاه «شما» در باره مذهب فردوسی ...

در یکی از پرسش ها پاسخ داده ام.

۲۲- تعریف «شما» از حماسه و اسطوره چیست و نقطه تلاقی ...

مبنای اساسی شاهنامه اساطیر است. گره خوردن عصر اساطیر یا دوره ی پیشاتاریخی با دوره ی تاریخی، بافتار اصلی شاهنامه را می سازد. نقطه ی تلاقی این دو، شخصیت تاریخی فردوسی است که در دوره ی غلبه ی زبان عربی بر زبان فارسی و همه ی زبان های هم ریشه و حاکمیت ترک تباران بر زادگاه آریاییان زندگی می کند.

۲۳- از نگاه شما دلپذیرترین داستان و شخصیت شاهنامه کدام اند؟

جنگ رستم و سهراب. آن جایی که تهمینه ی سمنگانی با اسپ فرزندش سهراب نوحه و نجوا می کند، مرثیه به کمالی می رسد که در متون فارسی بی مانند است.

۲۴- بهترین اثر پژوهشی و بهترین پژوهش گر ...

به دلیل عرصه ی متنوع شاهنامه پژوهی، نمی توان انتخاب کرد. اگر عرصه تفکیک شود، شاید بتوان با معیار روشن گزینش کرد.

۲۵- بهترین اثر شما ... / ۲۶- برنامه شما برای آینده در حوزه شاهنامه و

حماسه ...

مقاله: نگاه جامعه شناسختی به شاهنامه.

کتاب: چگونگی شاهنامه در ادبیات معاصر افغانستان.

منظومه‌ای سروده‌ام به نام حماسه‌ی ساتی برزن. سال‌ها پیش چاپ شد. فرهیختگان پیش‌گفتار و پسین‌گفتار به‌فراوانی نوشته‌اند. اینک در پی چاپ دوم این متن حماسی‌ام.

۲۶- کدام استادان و چه کتاب‌هایی ...

در نوجوانی شیفته‌ی خوانش حماسی و تمثیلی (نقالی) در هرات شدم و سپس شاهنامه همدم شب و روز من گردید. در همان اوان از شعرالعجم شادروان شبلی نعمانی (به‌ویژه مبحث شاهنامه) خیلی لذت بردم؛ هم‌چنین از کتاب وزین روان‌شاد احمدعلی کهزاد (افغانستان در شاهنامه)؛ این روند تا امروز ادامه دارد.

۲۸- اگر قرار باشد شما پرسشی را به این پرسش‌نامه اضافه کنید ...

* چگونه در عصر نبرد تمدن‌ها، گفت‌وگوی تمدن‌ها و ائتلاف تمدن‌ها، می‌توان شاهنامه‌پژوهی را تبدیل به جریان فرهنگی و تمدنی کرد؟